

## پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)\*

### چکیده:

در حالی که سرمایه‌گذاری هنگفت در طرح‌های زیربنایی یک نیاز مبرم برای کشورهای در حال توسعه است، دولت‌ها قادر نیستند سرمایه لازم برای تأمین مالی این پروژه‌ها را تأمین کنند. یکی از ایده‌های نو در حل این معضل استفاده از قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) است. این روش به بخش خصوصی امکان می‌دهد تا در پروژه‌های زیربنایی و عمومی مشارکت کند، بدون این که برای همیشه مالک طرح‌های زیربنایی شود. اخیراً استفاده از قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال، جهت خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌های خارجی، دسترسی به تکنولوژی پیشرفته و مهارت‌های فنی، و بهره‌مندی از مدیریت کارآمد، مورد توجه دولت ایران نیز قرار گرفته است. این مقاله کوشش دارد تا اولاً، مکانیزم این قراردادها را که به قراردادهای بی.اوتی، معروف هستند مورد بررسی قرار دهد و ثانیاً، مکانیزم بی.اوتی را از مکانیزم‌های مشابه تمییز دهد و مشخصه‌های قراردادهای بی.اوتی را بیان نماید، تا زمینه بهره‌گیری هر چه بیشتر آنها در پروژه‌های زیربنایی و در جهت خصوصی‌سازی، جذب تکنولوژی و دانش فنی، و دسترسی به مدیریت کارآمد فراهم گردد.

واژگان کلیدی: بی.اوتی، ساخت، بهره‌برداری و انتقال، تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، جذب تکنولوژی، دسترسی به مدیریت کارآمد

\* - این مقاله نتیجه طرح تحقیقاتی است که نگارنده با تسهیلات دانشگاه تهران [مجمع آموزش عالی قم] انجام داده است. یادداشتهای اولیه این طرح در سال‌هایی که در دانشگاه آدلاید استرالیا مشغول تحصیل بودم گردآوری شده است.

\*\* - استادیار دانشگاه تهران، (مجمع آموزش عالی قم)، دارای مدرک Phd از دانشگاه آدلاید در استرالیا.

یکی از مکانیزم‌هایی که در جهت خصوصی‌سازی اقتصادی و جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است، قراردادهایی است که بطور عام تحت عنوان ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) عنوان شده‌اند. این قراردادها بر دو پایه قرار دارند: استفاده از قدرت معاملی کشورهای در حال توسعه جهت تحت فشار قراردادن طرفهای تجاری - در کشورهای صنعتی - به مشارکت در رشد و توسعه اقتصادی آنان؛ خصوصی‌سازی اقتصادی در پروژه‌های زیربنایی به نحوی که متناسب با نیازهای کشورهای در حال توسعه باشد.

اخیراً استفاده از قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال جهت خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌های خارجی، دسترسی به تکنولوژی پیشرفته و مهارت‌های فنی، و بهره‌مندی از مدیریت کارآمد، مورد توجه دولت ایران نیز قرار گرفته است. به عنوان نمونه بند ۶-۱۴ طرح سازماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که در اواسط سال گذشته توسط ریاست محترم جمهوری ابلاغ شد، بر ورود و جلب منابع و سرمایه‌های خارجی از طریق قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) تأکید شده است.

این مقاله کوشش دارد، تا اولاً، مکانیزم این قراردادها را که به قراردادهای بی.اوتی، معروف هستند مورد بررسی قرار دهد و ثانیاً، مکانیزم بی.اوتی را از مکانیزم‌های مشابه تمییز دهد و مشخصه‌های قراردادهای بی.اوتی را مطرح نماید تا زمینه بهره‌گیری هر چه بیشتر آنها در پروژه‌های زیربنایی و در جهت خصوصی‌سازی، جذب تکنولوژی و دانش فنی، و دسترسی به مدیریت کارآمد فراهم گردد. بنابراین مطالب این مقاله به دو قسمت تقسیم می‌شود: در قسمت اول، مفهوم پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت دوم ویژگی‌های این قراردادها و تفاوت آن با قراردادهای مشابه، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

### قسمت اول: مفهوم پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)

#### الف) تعریف پروژه‌های بی.اوتی

دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی تنها در پرتو سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی اقتصادی امکان‌پذیر است. طرحها و پروژه‌های زیربنایی به صورت سنتی در قلمرو بخش عمومی قرار داشته و توسط دولت تأمین مالی، ساخته و نهایتاً اجرا و مورد

بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر قادر نیستند به تقاضاهای روز افزون در بخش زیربنایی اقتصادی پاسخ دهند. آنها جهت ساخت پروژه‌های زیربنایی نیاز به سرمایه کلان، ارز خارجی، تکنولوژی پیشرفته و مدیریت کارآمد دارند. بنابراین بدون حضور فعال طرفهای تجاری از کشورهای صنعتی و بدون مشارکت بخش خصوصی، این دولت‌ها قادر نیستند به تقاضاهای رو به تزاید در بخش زیربنایی اقتصادی پاسخ دهند. یکی از مکانیزمهایی که در جهت حل معضل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) است.

ساخت، بهره‌برداری و انتقال ترجمه عبارت «Build-Operate-Transfer» است که بطور اختصاری به آن بی.اوتی (BOT) می‌گویند. این عبارت در بردارنده سه مفهوم ساختن، اجرا و بهره‌برداری کردن و نهایتاً انتقال دادن است. در یک قرارداد متعارف بی.اوتی، پروژه‌ای با مجوز دولت توسط یک شرکت خصوصی ساخته می‌شود و پس از ساخت، برای مدتی، مورد بهره‌برداری آن شرکت قرار می‌گیرد و پس از انقضای مدت قرارداد، پروژه به دولت طرف قرارداد منتقل می‌شود. به بیان دیگر، دولتی به یک کنسرسیوم خصوصی متشکل از شرکتهای خصوصی امتیاز می‌دهد تا کنسرسیوم مطابق قرارداد، تأمین مالی یک طرح زیربنایی را عهده دار شده، آن را بسازد و در ازای مخارجی که تقبل کرده برای مدتی از پروژه ساخته شده بهره‌برداری کند و پس از سپری شدن مدت قرارداد، پروژه و حق استفاده از آن را مجاناً به دولت منتقل نماید.

### ب) طرفهای اصلی یک پروژه بی.اوتی

با توجه به مطالب بالا و همانطور که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است، طرفهای اصلی یک پروژه ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) عبارتند از:

۱- دولت پذیرنده سرمایه: Host Government یکی از طرفهای اصلی قرارداد بی.اوتی دولت است که در قلمرو خود اجازه می‌دهد تا یک کنسرسیوم خصوصی، ساخت یک پروژه زیربنایی و تأمین مالی آن را تقبل کرده و پس از ساخت، برای مدتی از آن بهره‌برداری کند. در عمل یکی از نهادهای دولتی (که ممکن است در سطح ملی، استانی یا محلی باشد) مسؤلیت پروژه را به عهده می‌گیرد و در نهایت پروژه به آن

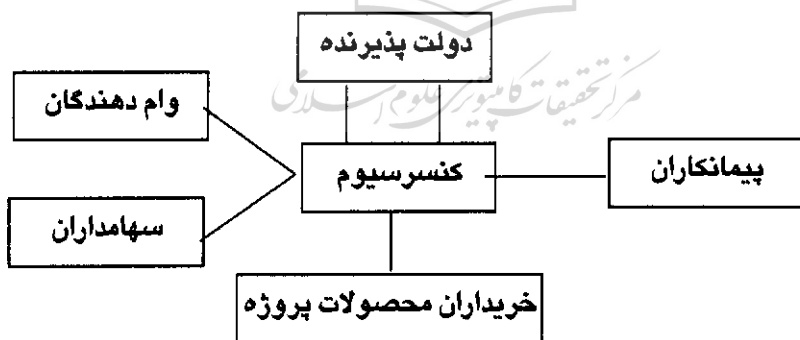
نهاد منتقل می‌شود. علاوه بر آن نهاد دولتی که مسئول مستقیم پروژه است، معمولاً تعداد دیگری از دوایر دولتی نیز، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در پروژه دخالت دارند.

۲- کنسرسیوم Consortium: طرف دوم قرارداد بی.اوتی تعدادی کارگزار خصوصی است که در یک شرکت تحت عنوان کنسرسیوم متشکل شده و بطور مشترک مسئولیت تأمین مالی، ساخت، اجرا و بهره‌برداری از پروژه را تقبل می‌کنند.

۳- سهامداران: اشخاص حقیقی و یا حقوقی هستند که بخشی از سرمایه مورد نیاز برای پروژه را از طریق خرید سهام تأمین می‌کنند.

۴- پیمانکاران: پیمانکاران ممکن است متعدد و متنوع باشند که به حسب مورد ممکن است وظیفه مطالعات ابتدایی پروژه، ساخت پروژه، عرضه ماشین آلات، ابزار و مصالح مورد نیاز برای ساخت پروژه، نصب ماشین آلات، بهره‌برداری، عرضه مواد اولیه و دیگر مایحتاج برای بهره‌برداری و غیره را به عهده گیرند.

۵- خریداران محصولات: کسانی که در نهایت محصولات پروژه به آنها فروخته می‌شود، ممکن است مصرف کنندگان نهایی یا شرکتهای خصوصی یا دولتی باشند که بطور تضمینی خرید محصولات را تقبل کرده‌اند.<sup>۱</sup>



نمودار شماره (۱) طرفهای یک قرارداد بی.اوتی

ج) مشخصه‌های اصلی قراردادهای بی.اوتی

یک قرارداد متعارف بی.اوتی، دارای عناصر اصلی زیر است:

- ۱- دولت به کنسرسیوم امتیاز احداث یک پروژه اقتصادی را اعطا می‌کند.
- ۲- دولت امتیاز بهره‌برداری از پروژه اقتصادی ساخته شده را برای مدت معینی

به کنسرسیوم واگذار می‌کند.

۳- کنسرسیوم مسئول تأمین مالی پروژه است.

۴- کنسرسیوم مسئول ساخت پروژه است.

۵- مسئولیت بهره‌برداری از پروژه در مدت مقرر به عهده کنسرسیوم است.

۶- کنسرسیوم منافع بدست آورده در آن مدت را به ازای هزینه‌های انجام شده

محسوب می‌کند.

۷- پس از سپری شدن مدت مقرر، پروژه بطور رایگان به دولت مزبور منتقل

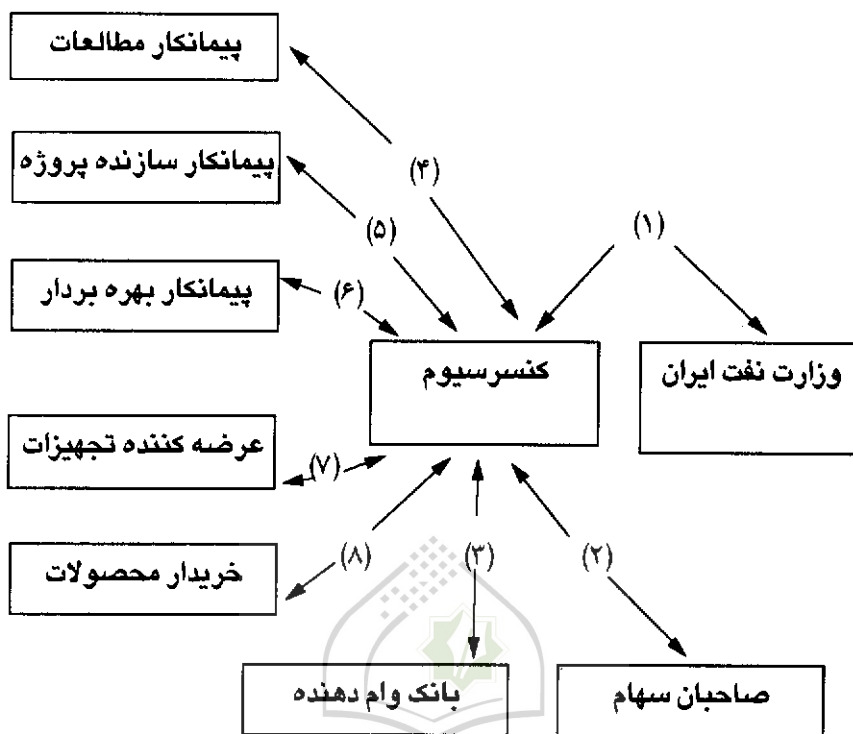
می‌شود.

#### د) نمونه‌هایی از قراردادهای بی.اوتی

برای بهتر روشن شدن مکانیزم قراردادهای بی.اوتی، فرض کنید دولت فیلیپین تصمیم دارد تا یک نیروگاه ۱۲۹۰ مگاواتی را که حدوداً ۱/۳ میلیون دلار هزینه دارد بسازد. همچنین فرض کنید که دولت فیلیپین تمایلی ندارد که از وام استفاده کند و یا این که چنین وامی فعلاً در دسترس نیست. استفاده از مکانیزم بی.اوتی به دولت فیلیپین امکان می‌دهد تا منابع مالی مورد نیاز برای تأسیس نیروگاه را تأمین نماید. دولت فیلیپین ساخت و بهره‌برداری از پروژه را بر اساس مکانیزم بی.اوتی به مناقصه گذاشته و یک کنسرسیوم متشکل از شرکتهای خصوصی پاکستان برنده می‌شود. بر اساس قرارداد بی.اوتی که بین کنسرسیوم و دولت فیلیپین منعقد می‌شود، کنسرسیوم متعهد می‌گردد تا منابع مالی لازم برای ساخت نیروگاه را تأمین کرده و نیروگاه را طبق شرایط مقرر در قرارداد بسازد. در مقابل هزینه‌هایی که کنسرسیوم، برای ساخت نیروگاه متحمل شده است، دولت فیلیپین، امتیاز استفاده و بهره‌برداری از نیروگاه را برای مدت ۱۰ سال به کنسرسیوم واگذار می‌کند تا از طریق فروش برق تولیدی نیروگاه، هزینه‌های انجام شده را مستهلک کند و سودی نیز به دست آورد. پس از سپری شدن ۱۰ سال مقرر در قرارداد، کنسرسیوم متعهد است تا نیروگاه را بدون دریافت هیچ گونه وجهی و بطور رایگان به دولت فیلیپین واگذار نماید.<sup>۲</sup>

برای بهتر مشخص شدن مکانیزم بی.اوتی توجه شما را به نمودار شماره (۲) که

یک قرارداد ساده بی.اوتی را نشان می‌دهد، جلب می‌کنم.



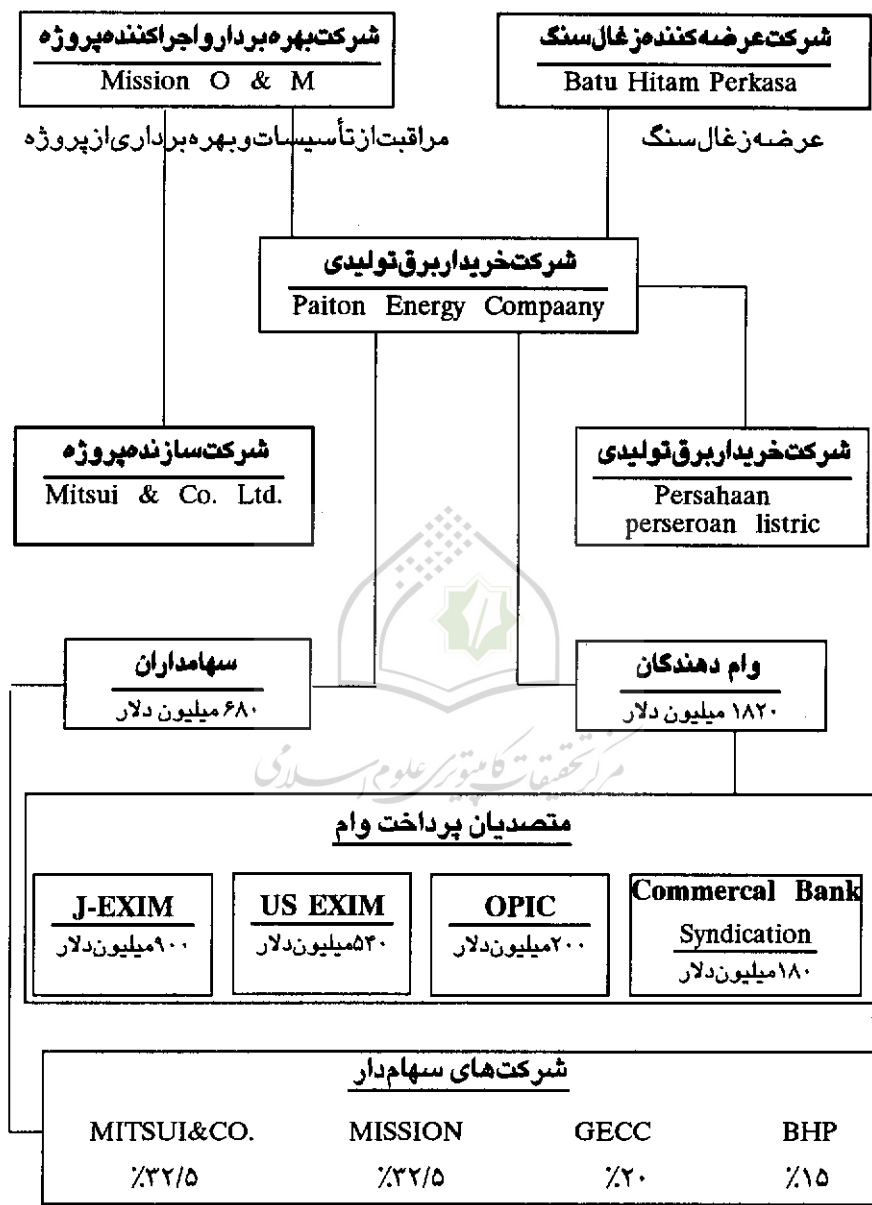
- ۱- قرارداد بین کنسرسیوم و وزارت نفت ایران برای ساخت پروژه بی.اوتی
- ۲- توافق با سهامداران و تعیین سهم شرکتهای تشکیل دهنده کنسرسیوم
- ۲- توافق با بانک برای اخذ وام
- ۴- قرارداد با پیمانکار برای بررسی امکان پروژه و اقتصادی بودن آن
- ۵- قرارداد ساخت پروژه
- ۶- قرارداد بهره برداری از پروژه و نگهداری از تجهیزات آن
- ۷- قرارداد عرضه مواد اولیه، تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز برای ساخت و بهره برداری
- ۸- قرارداد فروش محصولات پروژه

نمودار شماره (۲) یک مدل ساده از یک پروژه بی.اوتی

در این نمودار فرض شده که وزارت نفت ایران تصمیم دارد یک خط لوله از شمال به جنوب بکشد؛ در حالی که وزارت نفت تمایلی ندارد برای ساخت این خط لوله از وام استفاده کند و یا این که چنین وامی فعلاً در دسترس نیست. استفاده از مکانیزم بی.اوتی طبق نمودار به دولت ایران امکان می‌دهد تا بتواند منابع مالی مورد نیاز برای تأسیس این خط لوله را تأمین کند. وزارت نفت با مجوز هیأت دولت ساخت پروژه را بر اساس مکانیزم بی.اوتی به مناقصه گذاشته و یک کنسرسیوم متشکل از شرکتهای خصوصی در این مناقصه برنده می‌شود. بر مبنای قرارداد بی.اوتی که بین کنسرسیوم و وزارت نفت ایران منعقد می‌شود، کنسرسیوم متعهد می‌شود تا منابع مالی لازم برای ساخت خط لوله را تأمین کرده و خط لوله را طبق شرایط مقرر در قرارداد به انجام رساند. به ازای هزینه‌های ساخت پروژه و سود مورد نظر کنسرسیوم، دولت ایران امتیاز استفاده و بهره‌برداری از خط لوله را برای مدت ۲۰ سال به کنسرسیوم واگذار می‌کند. کنسرسیوم از طریق منافع این خط لوله که در مدت بیست سال بدست می‌آید هزینه‌ها و سود خود را مستهلک خواهد کرد. پس از سپری شدن مدت مزبور کنسرسیوم متعهد است تا خط لوله ساخته شده را بدون دریافت هیچ گونه وجهی و بطور رایگان به وزارت نفت ایران واگذار نماید.

نمودار شماره (۳) یک قرارداد بی.اوتی برای تأسیس یک نیروگاه خصوصی در اندونزی را نشان می‌دهد.

کل هزینه‌های پروژه در حدود ۲۵۰۰ میلیون دلار بوده است که ۶۸۰ میلیون آن به صورت سهام، توسط چهار شرکت متصدی پروژه سرمایه‌گذاری شده است. ۱۸۲۰ میلیون دلار توسط چهار شرکت مالی و اعتباری به صورت وام در اختیار کنسرسیوم قرار گرفته است. این وام فقط متکی به دارایی و درآمدهای پروژه به صورت وام در اختیار کنسرسیوم قرار گرفته است. این وام فقط متکی به دارایی و درآمدهای پروژه پرداخت شده و وام دهنده حق ندارد، در صورت عدم وصول اصل وام و بهره‌های آن، به دیگر داراییهای متصدیان رجوع کند. Mitsui & Co شرکت پیمانکاری است که وظیفه ساخت پروژه را به عهده دارد. شرکت Mission O&M وظیفه مراقبت از تأسیسات و بهره‌برداری از پروژه را تقبل نموده است. شرکت Batu Hitam Perkasa زغال سنگ مورد نیاز برای پروژه را تأمین می‌کند. شرکت Perseroan Perusahaan Listrik Negara مسؤولیت خرید برق تولیدی را به عهده دارد.<sup>۲</sup>



نمودار شماره (۳): یک پروژه برای ساخت یک نیروگاه در اندونزی



## ه) شکلهای دیگر قراردادهای بی.اوتی.

استفاده از مکانیزم ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) گاهی با تغییر اندکی تحت

عناوین دیگری مطرح می‌شود که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- ساخت، تملک، بهره‌برداری و انتقال (BOOT) - این عنوان معادل فارسی عبارت «Build-own-operate-Transfer» می‌باشد.<sup>۴</sup> کلمه تملک از این جهت، در این عبارت بکار رفته است که کنسرسیوم اموال مادی موجود در پروژه را برای مدت مقرر در قرارداد تملک می‌کند و سپس آن را به دولت مزبور انتقال می‌دهد. این تفاوت در واقع به نحوه قرارداد برمی‌گردد که آیا کنسرسیوم در مدت مقرر صرفاً امتیاز استفاده از پروژه را پیدا می‌کند یا آن را مالک می‌شود. در این مکانیزم، کنسرسیوم در زمان بهره‌برداری مالک پروژه می‌باشد.

۲- صورت دیگری از مکانیزم بی.اوتی قراردادهای ساخت، تملک و بهره‌برداری (BOO) است که ترجمه عبارت «Build-own-operate» است. در این قراردادها کنسرسیوم مسئول ساخت و بهره‌برداری از پروژه است بدون این که مجبور باشد که پروژه ساخته شده را به دولت و یا بخش دولتی واگذار کند. مالکیت پروژه در اختیار کنسرسیوم خواهد بود و کنسرسیوم تعهدی ندارد که پس از طی مدتی، پروژه را به دولت منتقل نماید. به عبارت دیگر بهره‌برداری کنسرسیوم از پروژه محدود به مدت معینی نیست.

۳- چنانچه در پروژه‌های ساخت، تملک و بهره‌برداری (BOO) کنسرسیوم متعهد شود، پس از انقضای مدت معینی، پروژه را در قبال دریافت مبلغی، به دولت مزبور بفروشد، از عنوان «ساخت، تملک، بهره‌برداری و فروش» (BOOS) «Build-own-operate-Sell» استفاده می‌شود.

۴- چنانچه کنسرسیوم پروژه را بعد از ساخت تملک کرده و آن را برای مدت معینی، در مقابل مبلغی به دولت یا بخش خصوصی اجاره دهد و پس از سپری شدن مدت، آن را بطور رایگان به دولت تملیک کند، از عنوان «ساخت، اجاره و انتقال» (BLT) که ترجمه «Build-Lease-Transfer» است و یا از عنوان «ساخت، تملک، اجاره و انتقال» (BOLT) که ترجمه عبارت «Build-Own-Lease-Transfer» است استفاده می‌شود.

۵- اگر در یک قرارداد بی.اوتی طرفین بخواهند، تأکید کنند که مالکیت پروژه و

همچنین، مالکیت تأسیسات آن، به محض اتمام به دولت منتقل خواهد شد و سپس دولت امتیاز استفاده انحصاری، از پروژه را برای مدت مشخصی، به کنسرسیوم اعطا کند، از اصطلاح ساخت، انتقال و بهره‌برداری «Build-Transfer-Operate» یا به اختصار (BTO) استفاده می‌شود.

۶- چنانچه پروژه‌ای و تأسیساتی که هم اکنون موجود است، به بخش خصوصی واگذار شود، تا توسط بخش خصوصی بازسازی شده و متقابلاً برای مدتی مورد بهره‌برداری بخش خصوصی قرار گیرد و سپس به دولت منتقل شود از اصطلاح بازسازی، بهره‌برداری و انتقال (ROT) «Refurbish-Operate- Transfer» استفاده می‌شود. چنانچه پروژه زیربنایی موجود، به بخش خصوصی واگذار شود تا آن را به یک پروژه مدرن تبدیل کرده و در عوض برای مدتی مورد بهره‌برداری قرار دهد و سپس آن را بطور رایگان به دولت منتقل نماید، از اصطلاح مدرنیزه کردن، بهره‌برداری و انتقال (MOT) «Modernize-Operate-Transfer» استفاده می‌شود.

هر چند این تفاوتها، نشان دهنده تنوع ساختاری قراردادهای تشکیل دهنده بی.اوتی است، همگی در این امر مشترک هستند که دولت امتیاز ساخت (یا بازسازی) و بهره‌برداری از یک پروژه را به بخش خصوصی واگذار می‌کند تا بخش خصوصی وظیفه تأمین مالی پروژه و ساخت آن را به عهده گرفته، در مقابل از امتیاز بهره‌برداری از آن پروژه برای مدتی بهره‌مند شود.<sup>۵</sup>

لازم به توضیح است که در بعضی از نوشته‌ها، قراردادهای بی.اوتی، تحت عنوان قراردادهای «اعطای امتیاز - تأمین مالی» مطرح شده‌اند.<sup>۶</sup> در این عبارت روی اعطای امتیاز و تأمین مالی تأکید شده است، به این جهت که عناصر اصلی یک قرارداد بی.اوتی اعطای امتیاز از طرف دولت به کنسرسیوم، برای ساخت و بهره‌برداری در مدت معین و تأمین مالی پروژه توسط کنسرسیوم می‌باشد. اشکال این اصطلاح این است که اولاً به ندرت استفاده می‌شود و ثانیاً با قراردادهای تأمین مالی پروژه‌ها - که بعداً در مورد آنها صحبت خواهیم کرد - ممکن است اشتباه شود. به نظر می‌رسد که استفاده از عبارت «ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)» ترجیح دارد؛ زیرا اولاً شامل مواردی که دولت صرفاً امتیاز استفاده از پروژه را به کنسرسیوم اعطا می‌کند نیز می‌شود و ثانیاً این تعبیر در بین نویسندگان معروف‌تر و رایج‌تر است.<sup>۷</sup>

## و) پروژه‌های موضوع بی.او.تی

قراردادهای بی.او.تی عمدتاً در پروژه‌های زیربنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در برگیرنده عملیات مادی وسیع بوده و خدمات ناشی از آن مستقیماً مورد نیاز عموم است و اشخاص حقیقی و یا حقوقی حاضرند، در ازای استفاده از آن خدمات پول پرداخت کنند. این پروژه‌ها شامل گستره وسیعی از طرحهای اقتصادی مثل جاده‌ها و بزرگراهها، فرودگاهها، بنادر، سیستم تهیه آب و آب رسانی، فاضلاب، تولید نیرو و برق رسانی، مخابرات، استخراج نفت و گاز و پخش محصولات نفتی، استخراج معادن، و ساخت تونلها، پلها، خطوط راه‌آهن، مترو، و غیره می‌باشد.

لازم به توضیح است که از لحاظ نظری، دلیلی وجود ندارد که استفاده از بی.او.تی محصور و محدود به پروژه‌های معینی باشد. به عنوان نمونه ساخت هتلها و مراکز تفریحی و توریستی، راه اندازی مراکز درمانی و بهداشتی، و حتی برنامه‌های کامپیوتری و غیره از مواردی است که امروزه در کنار پروژه‌های سنگین زیربنایی موضوع قراردادهای بی.او.تی واقع می‌شوند.<sup>۸</sup> این موضوع بیشتر به سیاستهای یک کشور برمی‌گردد که مکانیزم بی.او.تی را برای چه نوع پروژه‌هایی مناسب می‌داند. یک کشور ممکن است مطابق با سیاستهای اقتصادی خود پروژه‌هایی را که ممکن است موضوع قراردادهای بی.او.تی قرار گیرند، بطور تفصیلی مشخص کند. به عنوان نمونه دولت فیلیپین مقرر داشته که تنها پروژه‌های زیر، ممکن است موضوع قراردادهای بی.او.تی قرار گیرند:

- ۱- بزرگراهها: شامل جاده‌های سریع‌السیار، جاده‌ها، پلها، ترمینالها، تونلها و دیگر تسهیلات مرتبط؛
- ۲- راه‌آهن: پروژه‌های مرتبط با خطوط راه‌آهن؛
- ۳- کشتیرانی، راههای آبی و تسهیلات مرتبط؛
- ۴- بنادر: شامل اسکله‌ها، دیواره‌های ساحلی، انبارها، محل کنترل، خدمات قایقرانی و امکانات مرتبط؛
- ۵- فرودگاهها: شامل ساخت فرودگاهها، کنترل هوایی و تسهیلات مرتبط؛
- ۶- نیرو: شامل نیروگاهها، برق رسانی و تسهیلات مرتبط؛

- ۷- مخابرات: شامل تجهیزات اصلی شبکه‌های ارتباطی و مخابراتی، امکانات ماهواره‌ای و تسهیلات مرتبط؛
- ۸- آبیاری و تسهیلات مرتبط؛
- ۹- تأمین آب، دفع فاضلاب و زهکشی؛
- ۱۰- تجهیزات زیربنایی آموزشی و بهداشتی؛
- ۱۱- احیاء اراضی و لایروبی کردن؛
- ۱۲- پروژه‌های بزرگ صنعتی؛
- ۱۳- بازارها و کشتارگاهها؛
- ۱۴- آب انبارها و تسهیلات بعد از برداشت محصول؛
- ۱۵- احداث دریاچه‌های ماهیگیری و تسهیلات مرتبط؛
- ۱۶- فعالیتهای مرتبط با حفظ محیط زیست و حفظ خاک.

#### قسمت دوم: مقایسه قراردادهای بی.اوتی با قراردادهای مشابه

برای شناخت بهتر قراردادهای بی.اوتی لازم است تا این قراردادها با قراردادهای مشابه مقایسه شود تا مشخص شود که چه تفاوتها یا مشابهتهایی بین آنها وجود دارد. در این مقایسه، تفاوتها و مشابهتهای موجود بین قراردادهای بی.اوتی با قراردادهای وام درازمدت، قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم، قراردادهای تجارت متقابل، قراردادهای تأمین مالی پروژه، و قراردادهای اعطای امتیاز بطور خلاصه مطرح می‌شود.

#### اول: قراردادهای بی.اوتی در مقایسه با قرارداد اخذ وام دراز مدت

با توجه به این که در قراردادهای بی.اوتی بنا است که مخارج انجام شده برای ساخت و بهره‌برداری از پروژه، به اضافه سود کنسرسیوم در طول یک مدت طولانی مستهلک شود، این ابهام ممکن است به وجود آید که قراردادهای بی.اوتی در واقع همان قراردادهای اخذ وام دراز مدت (Long-Term Loan Agreements) است.<sup>۹</sup> علی‌رغم این مشابهت ظاهری، قراردادهای بی.اوتی با قراردادهایی که طبق آن دولت مبادرت به اخذ وام دراز مدت می‌کند، تفاوت اساسی دارد. در قراردادهای وام، وام‌دهنده مسؤولیتی در

قبال ساخت، طرح و یا اجرای پروژه ندارد؛ در حالی که در قراردادهای بی.اوتی این مسئولیت به عهده کنسرسیومی است که مسئولیت تأمین منابع مالی پروژه به عهده او است. به اضافه این که در قراردادهای وام دراز مدت، وام گیرنده متعهد به پرداخت اصل وام و بهره آن است در حالی که در قراردادهای بی.اوتی دولت پذیرنده، متعهد به پرداخت بهای پروژه نیست و درآمد کافی برای پروژه را نیز تضمین نمی‌کند. درآمد حاصل از پروژه ممکن است حتی هزینه‌های انجام شده را نپوشاند و یا برعکس نه تنها هزینه‌های انجام شده را بپوشاند، بلکه سود قابل توجهی را نیز برای کنسرسیوم به ارمغان آورد. بنابراین، مسئولیت این که طرح از لحاظ اقتصادی سودآور است و این که سود حاصله به اندازه‌ای است که می‌تواند مخارج انجام شده را بپوشاند، به عهده کنسرسیوم می‌باشد. در نتیجه، هر چند قراردادهای بی.اوتی حاوی مشخصه‌هایی از قراردادهای وام درازمدت است، ولی بی.اوتی یک شیوه خاص و متمایز بوده و نمی‌توان آن را به عنوان زیر مجموعه قراردادهای وام درازمدت، طبقه‌بندی کرد.

### دوم: قراردادهای بی.اوتی در مقایسه با قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

قراردادهای بی.اوتی با قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که تحت عنوان «Foreign Direct Investment» شناخته می‌شوند، مشابهت‌های فراوانی دارند. دبیرخانه سازمان تجارت جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را چنین تعریف کرده است: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وقتی واقع می‌شود که یک سرمایه‌گذار، در یک کشور (کشور فرستنده سرمایه) قرارداد اموالی را در کشور دیگری (کشور پذیرنده سرمایه) تحصیل کند، با این قصد که آن اموال را اداره کند.<sup>۱۰</sup> هر چند تعریف مزبور ممکن است شامل بعضی از مکانیزمهای بی.اوتی نیز باشد، قراردادهای بی.اوتی و قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم دو شیوه مستقل برای تأمین مالی پروژه‌ها هستند. در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذار اموالی را در کشور پذیرنده تملک می‌کند، بدون این که این مالکیت، به موجب قرارداد، محدود به مدت معینی باشد، در حالی که در قراردادهای بی.اوتی این تملک ممکن است، اصلاً مطرح نباشد و یا اگر هم مطرح باشد به صورت موقت و برای سالهای مشخصی باشد. همچنین در قراردادهای بی.اوتی

سرمایه‌گذار مکلف است تا پس از انقضای مدت مقرر، پروژه ساخته شده را بطور مجانی به دولت پذیرنده منتقل نماید، در صورتی که در سرمایه‌گذاری مستقیم اولاً سرمایه‌گذار چنین تعهدی ندارد و ثانیاً اگر دولت پذیرنده به دلایلی اموال آن شرکت را تصاحب کند باید قیمت عادلانه آن را به سرمایه‌گذار پرداخت کند.

### سوم: قراردادهای بی.او.تی در مقایسه با قراردادهای تجارت متقابل

قراردادهای تجارت متقابل (Countertrade) به قراردادهایی اطلاق می‌شود<sup>۱۱</sup> که بر اساس آن، صادر کننده، ملزم به انجام تعهدات متقابلی به نفع طرف وارد کننده می‌شود که این تعهدات علاوه بر تعهدات متعارفی است که یک صادر کننده مشابه در یک قرارداد معمولی نقدی تقبل می‌کند. به عنوان مثال ضمن قرارداد خرید ماشین آلات از یک صادرکننده خارجی، صادر کننده ملزم می‌شود تا متقابلاً کالاهایی را از کشور واردکننده، خریداری کرده و از کشور خارج کند. تعهد به خرید متقابل کالاهای داخلی یک تعهد جداگانه‌ای است که یک فروشنده ماشین آلات اضافه بر تعهدات متعارف تقبل کرده است. قراردادهای تجارت متقابل انواع گوناگونی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از معاملات تهاتری ساده (Barter)، بیع متقابل (Counter-Purchase)، بای بک (Buy-Back)، افسست (Offset)، قراردادهای تسویه تهاتری (Clearing Arrangements) و تعویض (Swap).

بعضی از نویسندگان، قراردادهای بی.او.تی را به عنوان یک قرارداد تجارت متقابل (Countertrade) قلمداد کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> توجیهی که برای این دسته‌بندی وجود دارد بر این اساس استوار است که قراردادهای بی.او.تی بر مبنای تجارت دو طرفه و متقابل استوار است. در بی.او.تی این وظیفه کنسرسیوم است تا منابع مالی ساخت و راه‌اندازی پروژه را تأمین کند و پروژه را مطابق با شرایط قرارداد بسازد و دولت پذیرنده مسؤلیتی از این جهت ندارد. در مقابل دولت پذیرنده به کنسرسیوم اجازه می‌دهد تا برای مدتی از پروژه ساخته شده بهره‌برداری کند (و یا در مواردی کنسرسیوم آن را برای آن مدت تملک کند) تا هزینه‌های انجام شده مستهلک شود. بنابراین کنسرسیوم منابع مالی، تکنولوژی، ماشین آلات، و دیگر مواک مورد نیاز را فراهم می‌کند و در مقابل حق بهره‌برداری از پروژه را برای مدت معینی در اختیار می‌گیرد بدون این که دولت پذیرنده

از این بابت پولی به کنسرسیوم بدهد.

به نظر می‌رسد با این که قراردادهای بی.اوتی با قراردادهای تجارت متقابل تشابه زیادی دارند، ولی در اکثر نوشته‌های حقوقی قراردادهای بی.اوتی مستقل از قراردادهای تجارت متقابل، مطرح شده است. یکی از دلایل این تمایز، ویژگیهای خاص قراردادهای بی.اوتی است که در واقع، دربردارنده عناصری، مانند خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری، جذب تکنولوژی، کسب مهارت‌های فنی، بهره‌مندی از مدیریت کارآمد و عدم تحمیل هزینه ساخت و راه‌اندازی پروژه، بر دولت است. بنابراین، هر چند شباهتهای غیر قابل انکاری بین قراردادهای بی.اوتی و قراردادهای تجارت بویژه با قراردادهای بای بک وجود دارد ولی به جهت ویژگیهای خاص بی.اوتی، تعلق کلی این است که قراردادهای بی.اوتی برای تأمین مالی پروژه‌ها بوده و جدا از قراردادهای تجارت متقابل می‌باشند.

#### چهارم: قراردادهای بی.اوتی در مقایسه با قراردادهای تأمین مالی پروژه

قراردادهای تأمین مالی پروژه (Project Financing Agreements) عبارت است از: قرارداد تأمین مالی یک واحد اقتصادی مشخص که بر طبق آن وام‌دهنده کلاً یا بعضاً برای بازپرداخت وام به داراییهای آن واحد اقتصادی و به منافعی که از آن بدست می‌آید تکیه می‌کند.<sup>۱۲</sup> فرقی که قراردادهای تأمین مالی پروژه با وام‌های معمولی دارند، در این است که بازپرداخت وام و بهره آن وابسته به موفقیت طرح اقتصادی مورد نظر است. چنانچه این طرح در عمل نتواند موفق شود، تنها داراییهای آن واحد اقتصادی است که ممکن است، برای بازپرداخت وام و بهره آن به فروش برسد و وام‌دهنده نمی‌تواند به داراییهای دیگر متصدیان پروژه مراجعه کند، مگر نسبت به مقدار مالی که آنها در پروژه سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که قراردادهای بی.اوتی با قراردادهای تأمین مالی پروژه در جهاتی شبیه هستند؛ ولی هر کدام از این دو قرارداد، ویژگیهای خاص خود را دارند. مشابهت این دو در این است که در هر دو، بازپرداخت وام منوط به سودآوری آن واحد اقتصادی و از طریق منافعی است که از آن واحد اقتصادی بدست می‌آید. اما در قراردادهای بی.اوتی کنسرسیوم وظیفه دارد تا هم وام‌مورد نظر را اخذ کند و هم پروژه

مورد نظر را بسازد و هم آن را برای مدت مقرر اداره کرده و هزینه‌های انجام شده - که از جمله آن وام و بهره آن است - را از طریق منافع و درآمد آن واحد اقتصادی مستهلک کند. در حالی که در قراردادهای تأمین مالی پروژه تنها بازپرداخت وام و بهره آن متکی به دارایی آن واحد اقتصادی و درآمد آن است و معمولاً قرض دهنده نقشی در اداره و بهره‌برداری از آن واحد اقتصادی ندارد. به عنوان مثال خرید اوراق قرضه منتشر شده توسط یک شرکت در واقع یک نوع تأمین مالی پروژه است، زیرا دارایی آن شرکت و درآمد آن تضمین بازپرداخت اصل قرض و بهره آن می‌باشد. خریدار اوراق قرضه (یعنی وام دهنده) اموال شرکت را تملک نمی‌کند و در اداره آن نقشی ندارد؛ در حالی که در قراردادهای بی.اوتی کنسرسیوم هم تأمین مالی می‌کند و هم آن واحد اقتصادی را طراحی و می‌سازد و هم آن را مطابق با قرارداد تملک کرده و یا برای مدتی در اختیار می‌گیرد.

لازم به توضیح است که وقتی کسی وامی را صرفاً به اعتماد دارایی و درآمد یک پروژه پرداخت می‌کند، باید احتیاط‌های لازم را نموده، این نکات را مد نظر داشته باشد که آیا آن واحد اقتصادی به سوددهی می‌رسد؟ و آیا اموال پروژه تکافوی بازپرداخت اصل وام و بهره آن را می‌کند؟ در بسیاری از مواقع این منوط به نظارت وام دهنده در نحوه مصرف وام و مراحل پیشرفت واحد اقتصادی است. همچنین لازم است بیان شود که در قراردادهای بی.اوتی، کنسرسیوم ممکن است، منابع مالی لازم برای ساخت واحد اقتصادی را با استفاده از شیوه تأمین مالی پروژه فراهم کند که بعداً در این رابطه بحث خواهد شد.

### پنجم: قراردادهای بی.اوتی در مقایسه با قراردادهای اعطای امتیازات

قراردادهای اعطای امتیاز (Concession Agreements) در واقع قراردادهای ساده‌ای هستند که به صورت سنتی، در بهره‌برداری از معادن و ذخایر نفت مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.<sup>۱۴</sup> بر طبق این قراردادها، امتیاز انحصاری بهره‌برداری و استفاده از مواد استخراجی یک معدن به یک شرکتی واگذار می‌شود. این شرکت مسئولیت تأمین منابع مالی و مهیا کردن آن و همچنین فروش محصولات استخراجی را تقبل می‌کند. کنترل کامل آن معدن از جهت مدیریت و یا اداره به عهده شرکت مزبور است و در بعضی از موارد، شرکت، آن معدن را برای مدتی طولانی تملک می‌کند.



از آن جا که موضوع قراردادهای بی.او.تی عمدتاً مرتبط با خدمات عمومی است که یا در انحصار دولت و یا تابع مقررات خاصی می‌باشد و واگذاری این خدمات به بخش خصوصی، نیاز به مجوز دولت دارد، قراردادهای بی.او.تی به قراردادهای اعطای امتیاز نزدیک می‌شود، زیرا در قراردادهای بی.او.تی دولت امتیاز ورود به این بخش اقتصادی را به یک کنسرسیوم خصوصی اعطا می‌کند.<sup>۱۵</sup> با این حال می‌توان گفت که قراردادهای اعطای امتیاز، امروزه تا اندازه‌ای قدیمی شده و کشورهای در حال توسعه حاضر نیستند این قراردادهای سنتی را با شرکتهای بزرگ امضا کنند.

پس اولاً، قراردادهای بی.او.تی در واقع شکل جدید و تغییر یافته همان قراردادهای اعطای امتیاز است که متناسب با دیدگاههای جدید کشورهای در حال توسعه طرح شده است.

ثانیاً، استفاده از قراردادهای بی.او.تی منحصر به معادن نیست و امروزه استفاده از آن در ساخت پروژههای صنعتی، جاده‌ها، تونلها، نیروگاههای برق و غیره نیز رایج است.

ثالثاً، مدت استفاده از قراردادهای بی.او.تی معمولاً کمتر از قراردادهای اعطای امتیاز است.

رابعاً، در قراردادهای اعطای امتیاز، شرکت صاحب امتیاز معمولاً مبلغی را رأساً یا به تدریج به دولت مزبور می‌دهد؛ در صورتی که در قراردادهای بی.او.تی واحد اقتصادی ساخته شده به دولت واگذار می‌شود و معمولاً کنسرسیوم مبلغی برای استفاده انحصاری خود به دولت پرداخت نمی‌کند. بنابراین در هر قرارداد بی.او.تی یک توافق اعطای امتیاز وجود دارد؛ ولی این بدین معنا نیست که قراردادهای بی.او.تی همان قراردادهای اعطای امتیاز است که از سابقه خوبی نزد کشورهای در حال توسعه برخوردار نیست.<sup>۱۶</sup> با این وجود هنوز در بعضی از نوشته‌ها از عنوان اعطای امتیاز (Concession Agreements) برای بیان قراردادهای بی.او.تی استفاده می‌شود.<sup>۱۷</sup>

### نتیجه‌گیری

رشد سریع اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و تغییر در نگرش آنها موجب شده تا به توسعه امکانات و طرحهای زیربنایی توجه خاصی مبدول کنند. این کشورها بدون سرمایه‌گذاری کلان در زمینه حمل و نقل، نیرو، مخابرات، و غیره، قادر نخواهند

بود تا رشد اقتصادی فعلی خود را در سطح مطلوبی حفظ کنند. هم اکنون کشورهای مثل فیلیپین، هند، برزیل، لهستان، چین و غیره احساس کرده‌اند که تا چه اندازه کمبود سرمایه‌گذاری در طرحهای زیربنایی، مانع رشد اقتصادی این کشورها و تا چه حد مانع دست یافتن آنها به یک رشد مطلوب اقتصادی است. به عنوان مثال، کمبود برق در چین باعث شده است که بین ۱ تا ۲ درصد رشد ناخالص ملی آن کشور را پایین بیاورد. مشابه چنین تخمین‌هایی در مورد پاکستان و هند<sup>۱۸</sup> وجود دارد.

در حالی که سرمایه‌گذاری هنگفت در طرحهای زیربنایی یک نیاز مبرم برای این کشورها است، دولت‌ها سرمایه لازم برای تأمین مالی این پروژه‌ها را در اختیار ندارند. در حالی که روز به روز تقاضا برای سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش پیدا می‌کند، منابع مالی دولت قادر نیست تا تمام این نیاز را بپوشاند. بحران بدهی کشورهای در حال توسعه در اوایل دهه هشتاد میلادی نشان داد که اخذ وام به صورت سنتی چه مشکلات و عواقبی را برای این کشورها به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر بسیاری از این کشورها از دست دادن تسلط و کنترل خود بر طرحهای زیربنایی را مخالف منافع ملی و استراتژیک خود می‌دانند.

یکی از ایده‌های نو در حل این معضل استفاده از قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) است. این روش به بخش خصوصی امکان می‌دهد تا در پروژه‌های زیربنایی و عمومی مشارکت کند، بدون این که برای همیشه مالک طرحهای زیربنایی شود. در فیلیپین پروژه‌های بی.او.تی مورد استفاده قرار گرفت تا کمبود برق در کشور را جبران کند، بدون این که فشار جدیدی به منابع ارزی آن کشور وارد آورد. در این کشور بیش از بیست نیروگاه برق از طریق بی.او.تی ساخته شده است که بیش از ۳/۴ میلیون دلار می‌گردد.<sup>۱۹</sup> دولت ترکیه یکی دیگر از کشورهای پیشتان در استفاده از قراردادهای بی.او.تی برای ساخت و تکمیل پروژه‌های زیربنایی است.

بنابراین، توجه به قراردادهای بی.او.تی به سرعت در حال افزایش است و در سطح جهان پروژه‌های زیادی با این شیوه ساخته شده و می‌شود. امروزه قراردادهای بی.او.تی، به عنوان ابزاری حیاتی در طرحهای زیربنایی تلقی می‌شود و مورد شناسایی و حمایت سازمانهای بین‌المللی است. با این حال بعضی از این پروژه‌ها به دلایل پیچیدگی حقوقی و نبود مقررات مناسب در کشور پذیرنده متوقف شده و به نتیجه

نرسیده است و عملاً نتوانسته توقعی را که از این نوع قراردادهای می‌رفته برآورده کند. علاوه بر نارساییهای قانونی و حقوقی، مسایل اقتصادی، مشکل تأمین منابع مالی مورد نیاز، مشکلات فنی و مخالفتها و ملاحظات سیاسی از جمله دیگر موانعی است که همواره نقشی منفی، در موفقیت پروژه‌های بی.اوتی داشته است. چنانچه کشورهای در حال توسعه بخواهند از بی.اوتی برای توسعه اقتصادی خود بهره‌مند گردند، باید آگاهیهای خود از مکانیزم بی.اوتی را افزایش داده، روش عملی و مسایل حقوقی آنها را به درستی شناسایی نمایند. تأسیس یک مرکز که مسئولیت مرتب این قراردادهای را مورد ارزیابی قرار دهد و نقاط قوت و ضعف آن را بررسی کند از مسایلی است که باید بطور جدی در نظر گرفته شود.

ایران در سالهای اخیر به این قراردادهای توجه پیدا کرده است. مسلماً برای ورود به قراردادهای بی.اوتی، ایران با موانع و چالشهای بی‌شماری روبه‌رو است که باید در تحقیقات بعدی بدان پرداخته شود.

#### پی‌نوشت:

1- Nielsen, "Trends and Evolving Risks in Design-Build, BOT and BOOT Projects" (1997) *International Construction Law Review* p 196.

۲- این مثال بر اساس یک مورد واقعی تنظیم شده است.

Tiglaio

Operate-Transfer Schemes" (July 9.1992) *Far Eastern Economic Review* p.57.

3- Megens, "Construction Risk and Project Finance - Risk Allocation as viewed by Contractors and Financiers" (1997) 14(1) *International Construction Law Review*. P. 32.

4- Merna, Payna & smith, "Benefits of a Structured Concession Agreement for Build - Own - Operate - Transfer (BOOT) Projects" (1993) *International Construction Law Review* 32 p. 32; Gilchrist, "Challenging Times for BOOT Projects" (January 29, 1993) *Business Review weekly* p.64.

5- UNCITRAL, *Yearbook*, vol XXVI (1995) p 210.

6- Sington, "Limited-Recourse shifts the Risk" (April 1989) *Euromoney* p.83.

۷- به عنوان مثال، کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد (UNCITRAL) نیز عنوان بی.اوتی را قبول کرده است. UNCITRAL, *Yearbook*, vol XXVI (1995) P 210.

8- UNCITRAL, *Yearbook* vol XXVI (UN, New York, 199) p.211.

۹- وامها از حیث مدت به سه گروه کوتاه مدت برای حداکثر تا یکسال، میان مدت برای بین یک تا پنج سال، و دراز مدت برای بیش از پنج سال تقسیم می‌شود. از آن جا که بهره‌برداری از قراردادهای بی.اوتی معمولاً برای مدت‌های بیش از پنج سال است، مقایسه بین قراردادهای بی.اوتی و وامهای دراز مدت در این

جا مطرح شده است.

10- World Trade Organization Secretariat, "Trade and Foreign Direct Investment", PRESS/57, (October 9, 1996) p.6.

۱۱- در ایران معمولاً برای تجارت از اصطلاح بیع متقابل استفاده می‌شود که در واقع به کارگیری نام یکی از انواع تجارت متقابل برای کل این معاملات است.

12- Montague, "An Introduction to Countertrade" (1989) 17 International Business Lawyer 360; Brown & Franklin Countertrade: Paying in Goods and Services (Longman, London, 1994) P.25.

13- Ladbury and Fox, "Current Legal Problems in Project Financing" 3(1) Australian Mining and Petroleum law Journal p.139.

14- Hom & Schmitthoff (ed), The Transitional Law of international Commercial Transactions (Kluwer, Deventer, the Netherlands, 1982) PP. 226-227.

۱۵- اعطای این امتیاز به نامهای گوناگونی بیان می‌شود که از جمله آن اعطای امتیاز (CONCESSION)، دادن پروانه (LICENCE) و فرانچیز (FRANCHISE) است.

۱۶- بر طبق قانون ۱۹۲۲ شوروی سابق راجع به قراردادهای اعطای امتیاز، این نوع قراردادها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شد که فقط در یک دسته سرمایه‌گذاری مستقیم ضرورت داشت. این دسته که سرمایه‌گذاری مستقیم در آن ضرورت داشت خود به دو گروه تقسیم می‌شد. دسته اول اعطای امتیاز ساده (pure concession) است که بر اساس آن شرکت خارجی مجاز می‌شد تا از یک فرصت اقتصادی بهره‌مند شده به استخراج و استفاده از آن مشغول شود، بدون این که حق مالکیت داشته باشد. دولت شوروی مستحق حق امتیازی بود و شرکت خارجی متعهد بود که مقدار مشخصی از سرمایه را سرمایه‌گذاری کند و آخرین تکنولوژی و ماشین آلات مربوطه را وارد کند. نوع دوم از این دسته در واقع یک سرمایه‌گذاری مشترک بود که ۴۹٪ برای شرکت خارجی و ۵۱٪ برای دولت شوروی بود که توسط یک شهروند شوروی اداره می‌شد. در این شرکت مشترک، آورده طرف شوروی محل و فرصت سرمایه‌گذاری بود و آورده طرف دیگر سرمایه و مهارت‌های حرفه‌ای و مدیریتی بود که نتیجتاً سود حاصله تقسیم می‌شد. دسته‌ای که نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی ندارد قراردادهای حمایت فنی است که بر طبق آن دولت شوروی به شرکت‌های خارجی که حق اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی تحصیل می‌کردند پول پرداخت می‌کرد. این دسته از قراردادها هر چند از نظر شوروی یک قرارداد اعطای امتیاز بود ولی در عرف شایع بین‌المللی این طور نیست.

Albin, "Joint Venture law in the soviet Union: The 1920s and the 1980s" (winter, 1989) 9 Journal of international law & Business p.633.

17- Verveniotis, "The Concession Agreement (BOT), Legislation-Recent Developments" (1994) 11(1) International Construction Law Review p.55.

18- Naresimhan, "sustainable Development of public/private Partnership in Major infrastructure projects using build operate transfer (BOT)" (1998) 15(3) international Construction law review p.408.

۱۹- لیستی از پروژه‌هایی که در فیلیپین بر اساس بی.اوتی یا مکانیزم‌های مشابه انجام گرفته و یا در حال انجام یا مذاکره است در پیوست آمده است.